

اصول اخلاق زیستی

مصطفی السان*

چکیده

نخستین مفاهیم دستوری که انسان موظف به اطاعت از آن شده، در قالب «اخلاق» شکل گرفته‌اند. تضمین وجدانی تفکر و کردار، هرچند همواره اثربخش نیست، اما می‌تواند مقدمه، توجیه یا مبنایی برای قواعد حقوقی بعدی قرار گیرد. از سوی دیگر، عملی کردن اخلاق، در باب دغدغه‌های جدی بشریت، یعنی حقوق و تکالیف زیستی، مستلزم تعریف مبانی و اصول جامع و مقبول برای اخلاق زیستی است. برای موفقیت و کاربردی شدن، این اصول باید با لحاظ اشتراکات ملت‌های مختلف جهان تدوین شده و متضمن همگرایی و عزم بین‌المللی در صیانت از محیط زیست به مفهوم عام آن باشند. مسئله مهم‌تر دیگر، وضع ضمانت‌اجرای حقوقی برای «اجرایی» کردن اصول اخلاق زیستی است که همگرایی، زمینه تحقق آن را در سطح بین‌المللی فراهم خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی، اشتراکات ملل، ضمانت‌اجرا، حقوق بشر و محیط زیست.

* دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

اخلاق، به عنوان زاینده زندگی اجتماعی و لازمه استمرار آن در طول اعصار مختلف همزاد بشر بوده است. منشأ هرچه که باشد، یک نیاز همیشه وجود اخلاق را الزامی کرده و آن «میل به زندگی» و استمرار آن است. از زمانی که زیست انسان‌ها در کنار هم، از حداقل قواعدی برخوردار بوده، اخلاق زیستی نیز معنا داشته است. با این حال، نیاز به امنیت و آرامش و عدم احساس نیاز به حفظ طبیعت، منجر به ایجاد اخلاق زیستی در معنای مضیق آن، یعنی منحصر در حیطه زیست انسان‌ها گردید. تحول اخلاق زیستی با مبنای توسعه قلمرو و شفافیت مبانی، تنها در قرن‌های اخیر میسر شده است. احترام به حریم دیگران به عنوان نخستین جلوه اخلاق زیستی از زمان شکل گرفتن کوچکترین اجتماع زیستی ایجاد گردید و بعدها به عرصه محیط زیست و حیوانات نیز کشیده شد. در واقع، باز هم نیاز انسان‌هاست که تحول اخلاق زیستی را رقم زده و حیطه عمل آن را گسترش داده است. البته تغییر رویکرد نسبت به علوم از «ضرورت و نیاز» به «دانایی»، اخلاق زیستی را نیز متأثر ساخته است. استقلال وجودی طبیعت زنده در مطالعات بشر و تلاش برای اجرایی کردن مطالعات اخلاق زیستی از جمله نموده‌های این تحول به شمار می‌آید. ارتباط میان علوم نیز از واقعیات زندگی معاصر است که اخلاق زیستی مجرد از آن نبوده و از جمله با حقوق پیوند یافته است.

پیوستگی حقوق و اخلاق، به مفهوم استفاده از اصول اخلاقی برای توجیه قواعد حقوقی و به کارگیری قواعد حقوقی برای تضمین اخلاقیات

می‌باشد. این پیوند زمینه «عمل‌گرایی اخلاقی» را از یک سو و «همگرایی حقوقی» را از سوی دیگر فراهم می‌آورد. بنابراین در آینده می‌توان مدعی هماهنگ بودن تمام یا اکثر جوامع جهانی در زمینه اخلاق زیستی بود و بر بین‌المللی شدن تضمین‌های اجرایی برای صیانت از محیط زیست جهانی اصرار ورزید. کما اینکه در حال حاضر نیز عهدنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی بر مبنای همین واقعیت تنظیم گردیده‌اند.

پیش‌شرط ارتباط حقوق و اخلاق و جهانی شدن اخلاق زیستی، تعریف چارچوبی یکنواخت برای آن است تا بتوان راهبرد آتی حقوق زیستی را بهتر ترسیم کرد. این چارچوب با «اصول اخلاق زیستی» که هرکدام دارای محدودیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود می‌باشند، ارائه می‌گردد. برخی از اصول چنان در هنجارهای اجتماعی و قوانین موضوعه رسوخ کرده‌اند که تردیدی در درستی آنها وجود ندارد. در عین حال، برخی دیگر از اصول مورد مناقشه بوده و ارائه نظریه‌های اخلاقی متفاوت، مانع از رسیدن به نتیجه‌ای جهان شمول در خصوص آنهاست. تحلیل اصول دسته اخیر به‌ویژه از آن جهت ضروری به نظر می‌رسد که متضمن پیشرفته‌ترین مفاهیم حقوق بشر و حقوق زیستی به‌عنوان نیاز آیندگان می‌باشند. در این مقاله که به بررسی اصول اخلاق زیستی اختصاص دارد، این اصول و جایگاه و ضمانت‌اجرای هرکدام را در گفتارهایی به شرح زیر مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. مفهوم اخلاق زیستی
۲. مفهوم و قلمرو اصول اخلاق زیستی
۳. شمار اصول اخلاق زیستی

۱. مفهوم اخلاق زیستی

نگاهی به گذشته بشر نشان می‌دهد که مفاهیم مبنایی اخلاق، همچون حق بر زندگی، از همان ابتدا وجود داشته و به‌ندرت انکار شده‌اند. در واقع، تعرض به حق زندگی، هرچند به‌سهولت انجام می‌شده و تضمین‌های حقوقی این حق، بعدها ایجاد یا تقویت شده‌اند؛ با این همه، اخلاق عمومی - حداقل در رابطه بین انسان‌ها - حق بر زندگی را فرصت مغتنم و غیرقابل تکراری می‌دانست که حتی خود شخص نیز در مورد تعرض به آن، با محدودیت‌هایی مواجه بود. آنچه که تثبیت شده و در گذر زمان، با حوادثی که فرهنگ همزیستی بشریت را ترقی داده‌اند، دچار تحول شده است، تمام اخلاق زیستی نیست. امروزه، سخن از اخلاق زیستی، گستره عام‌تری دارد و فراتر از وجدان و عاطفه غریزی انسانی، با توجیهاتی که پیشینه در گذار سخت نوع بشر دارد، تبدیل به ساختار محکمی شده است که می‌توان وجود آن را از بدو ایجاد نسل آدمی تا زیست همه موجودات جست.

آنچه گفته شد، مبین حقیقت مهم‌تری است: هر تعریف فطری (حقوق طبیعی) که از اخلاق زیستی ارائه شود، با نوعی ابهام یا عدم شمول روبرو خواهد بود و اساساً اخلاق زیستی بدان جهت پیشرفت کرده

است که به جای اتکا به منابع شخصی همچون وجدان و احساس، موضع خود را به گزاره‌های جهانی و عینی‌تری همچون «اعتماد»، «امنیت»، «برابری»، «تعهدات فراسرزمینی» و «الزامات بین‌المللی» تغییر داده است. این تغییر موضع، اگر زمانی به تجربه‌های تلخ بشری در نسل‌کشی‌های جنگ جهانی اول و دوم و تخریب محیط زیست پس از انقلاب صنعتی منتسب بود، اکنون از شعور منبعث از محاسبات دقیق علمی و تجربی نشأت می‌گیرد. همین امر، اخلاق زیستی را در مقابل تهدیدهای مستمری همچون «سیاست» و «تغییر ناگهانی رویه متعارف برای نیل به اهدافی که کمتر با مذاکره قابل حصولند»، مصون یا قابل اتکا می‌سازد.

با مقدمات فوق، می‌توان مؤخراتی که سعی در روشننگری مفهوم، مبانی و اصول اخلاق زیستی دارند را توجیه کرد. زمانی انسان «چیزی برای ذکر کردن نبود»^۱ و اکنون در جایگاهی است که می‌تواند برای تمام موجودات تصمیم بگیرد. هدف اخلاق زیستی نیز، به تناسب این تحول، از صرف «نظارت» به «همراهی راهنما» تغییر یافته است.

۱-۱. مفهوم اخلاق زیستی

اخلاق زیستی و حقوق زیستی،^۲ دو قالب فلسفی هستند که مسائل غیرتجربی ناشی از مطالعات زیستی جدید و اجرای نتایج تحقیقات این علوم را مورد توجه قرار می‌دهند.^۳ غیرتجربی بودن اخلاق زیستی، به

۱. سوره مبارکه انسان (دهر)، آیه شریفه (۱).

2. Biolaw.

3. Poland, Susan Cartier, Bioethics, Biolaw, and Western Legal Heritage, Kennedy Institute of Ethics Journal, Vol. 15-2, Jun 2005, p. 211.

مفهوم وابستگی آن به علوم انسانی بوده و به هیچ وجه نباید این پندار تقویت گردد که اخلاق زیستی، در تحلیل خود از مزایا و معایب اخلاقی پژوهش‌های علمی صورت گرفته و آثار عملی آنها، بی‌نیاز از «تجربه» می‌باشد. اخلاق زیستی را می‌توان «به پژوهش و عملکردی با ماهیت بین‌رشته‌ای که هدف آن تنقیح و حل مسائل اخلاقی ناشی از معرفی و اجرای مطالعات پزشکی زیستی و زیست‌شناختی است»^۴ تعریف کرد.

در پیش‌نویس اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر، این اصطلاح بسیار مضیق تفسیر شده و به مسائل اخلاقی راجع به پزشکی، علوم زیستی و فناوری‌های مرتبط که در مورد انسان قابل اجرا بوده و به ابعاد اجتماعی، حقوقی و زیست‌محیطی بشر ارتباط می‌یابند، محدود شده است. به موجب این توصیف، مسائل اخلاقی راجع به موجوداتی غیر از انسان، نه به عنوان مباحثی مستقل، بلکه به دلیل وابستگی انسان بدان‌ها قابل بررسی است.^۵ حال آنکه برخی دیگر، از اخلاق زیستی، تعبیری عمل‌گرایانه و عینی‌تر داشته و آن را به رشته‌ای که در صدد تشریح مسائل اخلاقی راجع به سلامت است، تعریف کرده‌اند.^۶

4. Miller, Judith, *Is Legislation in Bioethics Desirable? An Explanation of Aspects of Intersection of Bioethics and Biolaw*, In: *Bioethics and Biolaw*, Vol. 1, Judgment of Life, Petr Kemp; Rendtorff, Jacob Dahl and Niels Mattsson Johanessen, Rhedeos International Science and Art Publisher and Centre for Ethics and Law, Copenhagen 2000, p. 246.

5. Häyry, Matti & Takala, Tuija, *Human Dignity, Bioethics, and Human Rights, Developing World Bioethics*, Vol. 5, Number 3, 2005, p. 226.

6. Kuczewski MG., *Ethics in Long-Term Care, Are the Principles Different? Theoretical Medicine*, Vol. 20, 1999, p. 15.

اصطلاح اخلاق زیستی، صرفاً از سال ۱۹۷۰ به طور جدی مطرح شد و تحقیقات متعددی درباره آن به عمل آمد.^۷ البته اصل مفهوم به گذشته‌ای دور تعلق دارد.^۸ برخی از محققین، در بیان مفهوم اخلاق زیستی، مراحل زیر را برای آن برشمرده‌اند:^۹

- اخلاق زیستی توصیفی.^{۱۰} به مفهوم نوع نگاه مردم به زندگی است. به نظر می‌رسد که اخلاق زیستی در وهله اول از توجه انسان و احترام او به جسم و جان خویش آغاز شده است. در واقع، نقطه شروع عشق به زندگی، علاقه به خویشستن است و حتی می‌توان گفت که دوست داشتن دیگران نیز به نحوی خودخواهی به‌شمار می‌آید.

- اخلاق زیستی پیشی.^{۱۱} در این مرحله، اشخاص به لحاظ پیشرفت تمدن بشری این حق را پیدا کرده‌اند که حقوق و تکالیف خود و دیگران را در مقابل هم متذکر شوند و نظریاتی برای اصلاح جامعه خویش از این حیث ارائه دهند.

اخلاق زیستی تعاملی.^{۱۲} به مفهوم بحث در مورد دو مفهوم فوق‌الذکر در میان افراد اجتماع است. این مرحله در واقع تکامل ایده‌های اخلاقی و سخن گفتن از آنها برای رسیدن به نوعی همگرایی است. این

7. Potter, V.R., **Bioethics, A Bridge to the Future**, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, 1971.

8. Macer, Darryl R. J., **Bioethics for the People by the People**, Christchurch, Eubios Ethics Institute, 1994; Macer, Darryl R. J., **Bioethics is Love of Life**, Christchurch, Eubios Ethics Institute, 1998.

9. Macer, 1998, *Id.*

10. Descriptive.

11. Perspective.

12. Interactive .

نوع از اخلاق در جهان همه‌روزه به سوی پیشرفت می‌رود؛ این ترقی را باید مرهون صبر و شکیبایی و احترام به عقاید منطقی دیگران دانست. در مقام بررسی رابطه اخلاق زیستی با سایر علوم، برخی معتقدند که اخلاق زیستی، وجود خویش را مدیون حقوق است. این علم به‌عنوان ساختار، در فرایند شکل‌گیری، محصول آرای دادگاهها و نظریات حقوقدانان در باب رضایت، سقط جنین و مرگ خودخواسته است.^{۱۳} حتی اگر این تعبیر صحیح باشد، با توجه به تکامل اخلاق زیستی و مشخص شدن نسبی ابعاد مختلف آن، اکنون زمان آن فرا رسیده تا به حکم تعامل علوم، اخلاق زیستی حقوق را متأثر سازد. مقاله حاضر به نوعی درصدد بررسی این تأثیر و تأثر نیز خواهد بود.

۱-۲. ضرورت اصول اخلاق زیستی

یافتن مبنا، نقطه شروع تلاش برای رسیدن به مقررات الزام‌آور در زمینه مسائل زیستی است. حقیقت این است که تنها می‌توان انجام یا ترک آن دسته از اعمالی را به انسان تحمیل کرد که توجیه شده باشند. هرچه مبانی قوی‌تر باشد، تدوین مقررات دقیق‌تر و قابل اجرا نیز آسان‌تر می‌شود. در علم حقوق، هنوز هم اخلاق یکی از منابع است؛ منبعی که پیدایش حقوق از آن بوده است. تقریباً در تمام مواردی که حق یا تعهدی مطرح شود، بارقه‌هایی از اخلاق را می‌توان دید. گستردگی اخلاق، وجود آن در تمام جوامع و پویایی مفاهیم اخلاقی در طول زمان، موقعیت برجسته‌ای

13. Powers, Madison, Bioethics as Politics: The Limits of Moral Expertise, *Kennedy Institute of Ethics Journal*, Vol. 15-3, Sep. 2005, p. 306.

در میان منابع موجود بدان بخشیده است؛ از این ویژگی می‌توان برای رسیدن به مقررات متحدالشکل و قابل اجرا در سطح داخلی و بین‌المللی سود جست.

اخلاق زیستی، علاوه بر توصیفات عامه اخلاقی، خصوصیات منحصر به فردی دارد که از جمله آنها می‌توان به جهانی بودن مفاهیم، قدمت آنها، کاربردی و ضروری بودن و پیشرفته بودن آنها اشاره کرد. این مفاهیم تنها در صورتی قابل استفاده‌اند که در چارچوب خاصی تدوین شده و به صورت کدهای اخلاقی یا قواعد حقوقی مطرح شوند. عبارت «زیست» به تنهایی دلالت بر محدود نبودن آن به کشور یا منطقه معین دارد و همین امر خود مقتضی جهانی بودن اصول اخلاق زیستی است. در صورت تعریف و توجیه این اصول می‌توان از اتحاد جهانی اخلاقی در آینده نه چندان دور سخن گفت.

۲. مفهوم و قلمرو اصول اخلاق زیستی

آینده زیست انسان‌ها و دیگر موجودات، به واسطه نقشی که در حیات انسان دارند، از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت است. تسلط کشورها بر منابع طبیعی و داشتن منافع استراتژیک مغایر با طبیعت، حداقل در سطح داخلی می‌تواند با مانع قانونی روبرو نباشد، زیرا دولت‌ها به عنوان واضع مقررات می‌توانند خود را از قید محدودیت‌ها برهانند و یا حتی با اقدامات مخفی، مانع از تحقق اهداف عهدنامه‌های بین‌المللی شوند. در این شرایط تنها چیزی که کارایی دارد، پایبندی عموم به اخلاق زیستی و تحت فشار قرار

دادن دولت یا شهروندان متخلف از سوی مؤسسات غیرانتفاعی داخلی و بین‌المللی است. به‌عنوان نکته بدیهی، اجبار به پای‌بندی به اخلاق زیستی از جمله منوط به تعریف اصول و موازین منسجم و استاندارد برای آن است.

۲-۱. مفهوم اصول در اخلاق زیستی

اصول اخلاقی در مفهوم ساده، عبارت از هنجارهای رفتاری هستند که تعهدات، اعمال مجاز و رفتارهایی را که شایسته به‌شمار می‌آیند، توصیف می‌کند. اصل، راهبردی قاعده‌مند است که اسلوب تعهد، حق و کیفیت اعمالی را که در حدود اصل قرار می‌گیرند، مشخص می‌کند.^{۱۴}

سخن گفتن از «اصول» در هر علم، بدان معناست که پایه‌ها و بنیان آن دانش بر چه چیزی استوار است. تعریف چارچوب نخستین گام برای بررسی نظری و رسیدن به نتایج عملی است و علم اخلاق زیستی نیز از این مقوله مستثنا نیست. جامع بودن اصول مستلزم دو رکن مهم یعنی توجه به مقبولیت آنها در سطح بین‌المللی و قابل اجرا بودن آنها در راستای اهداف عملی اخلاق زیستی می‌باشد. ارائه اصول برای اخلاق زیستی معنی دیگری نیز دارد: اینکه اجتماع بدون اخلاق پا نمی‌گیرد یا دوام پیدا نمی‌کند. ادعای حمایت از حقوق بشر یا تعریف قالبی برای اخلاق در سطح جهانی تنها از طریق معرفی اصول اخلاق زیستی قابل پذیرش است

14. Beauchamp, Tom, Principles and Other Emerging Paradigms for Bioethics, *Indiana Law Journal*, Vol. 69-3, 1994, p. 956.

و بدون آن باید حقوق را مفهومی نظری محسوب داشت که هیچ پشتوانه وجدانی و اخلاقی ندارد.^{۱۵}

۲-۲. محدوده اصول اخلاق زیستی

معرفی مبانی و قواعد در قالب «اصل» برای اخلاق زیستی، به مفهوم شفاف کردن حدود و قالبی است که افراد باید بدان پای بند باشند؛ لذا اصول اخلاق زیستی باید در مواردی که شائبه نقض آنها مغایر با حقوق بنیادین بشر یا محیط زیست نیست، به طور مضیق تفسیر شوند. عدم پذیرش این امر مستلزم جلوگیری از تمام تحقیقات علمی و پزشکی است که حتی اگر در راستای آن نظریه پردازی شود، قابل تحقق نیست.

نقطه شروع اصول اخلاق زیستی، تعریف حق حریم برای بشر در وهله نخست و محیط زیست در گام بعدی است.^{۱۶} قلمرو این حریم با تحول جوامع و پیشرفت های علمی دچار تغییر می شود، اما هیچ گاه زوال آن قابل تصور نیست. اصول مذکور با لحاظ حقیقت و منطق تدوین می شوند و همین امر امکان به کار بستن آنها را از سوی قوای حاکم، مراجع بین المللی و حتی عامه مردم فراهم می سازد. دولت در سطح داخلی یا سازمان های بین المللی در سطح جهانی، علاوه بر التزام به اخلاق زیستی، از طریق ضمانت اجرای مختلف، زمینه رعایت آن را از سوی دیگران

15. See: Bandman, E. L. & B. Bandman, **Bioethics and Human Rights: A Reader for Health Professionals**, Little, Brown and Company, Boston, 1978.

16. See: Deryck, Beylveled & Roger, Brownsword, **Human Dignity in Bioethics and Biolaw**, Oxford University Press, 2001.

فراهم می‌سازند. اصول اخلاق زیستی در مرحله تدوین به فرهنگ یا تمدن خاصی منتسب نبوده و البته ناقض حقوق اجتماعی یا مغایر با فرهنگ عامه به‌شمار نمی‌آیند. در نگاه وسیع‌تر، تدوین اصول اخلاق زیستی فی‌نفسه فرهنگ خاصی را بوجود می‌آورد که ضامن دو رکن مهم یعنی اخلاق جهانی و همگرایی می‌باشد. پذیرش این دو نیز خود در استمرار مفاهیم اخلاق زیستی و تحول آن به موازات پیشرفت‌های علمی یا آثار حوادث ناشی از آزمایش‌های مرتبط با عوامل زیستی مؤثر است.

اکنون جای طرح این پرسش است که آیا التزام به اصول اخلاق زیستی موجب بهبود اوضاع زیستی می‌شود؛ یا تنها از بدتر شدن وضع جلوگیری می‌کند؟ اگر هدف اخلاق رسیدن به بهترین شرایط قابل تصور (سعادت) باشد، اصول اخلاق زیستی نیز باید با همین هدف تفسیر شوند. بنابراین اصول مذکور بهبود وضعیت موجود را تضمین می‌کنند که البته این تضمین خود مستلزم پیش‌بینی قواعد حقوقی و تصویب مقررات الزام‌آور در سطح داخلی و بین‌المللی است.

عمل‌گرایی، یکی دیگر از اوصاف اصول اخلاق زیستی از حیث قلمرو است. نیل به این مهم مستلزم توجه به اشتراکات اخلاقی ملل و صرف‌نظر کردن از تأکید بر مرام یا مسلک خاص به‌عنوان منشأ اصل یا اصول خاص می‌باشد. در واقع یافتن ریشه‌های اخلاق زیستی به بحث مبانی یا فلسفه آن مربوط می‌شود و اصول در صدد معرفی چارچوب اجرایی این مبانی و منابع می‌باشند. ترسیم این هدف نتیجه دیگری می‌دهد

و آن طرح عبارت «اصول اخلاقی مشترک»^{۱۷} به عنوان بهترین ساختار برای توصیف اصول اخلاق زیستی است. بدین معنا که این اصول انسان، حیوانات و طبیعت زنده را شامل می‌شوند.^{۱۸}

۳. شمار اصول اخلاق زیستی

اخلاق زیستی، در آن مفهوم که علم به شمار می‌آید، همانند سایر علوم از اصول و مبانی مشخصی تبعیت می‌کند که اختصاص به قوم و سرزمین مشخص ندارد و در واقع پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد. برای رسیدن به همگرایی باید این اصول را بازشناخت و بر جهانی کردن آنها تأکید ورزید. این اصول را به اختصار می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی و تشریح کرد:

۳-۱. اصل عدالت

نخستین اصل در اخلاق زیستی، «عدالت» است؛ البته باید آن را در جایی که به زیست موجودات غیرانسانی ارتباط می‌یابد، «تعادل» نامید. اگر مفهوم عدالت توزیعی^{۱۹} پذیرفته شود که به موجب آن باید عدالت بر

17. Common Ethical Principles.

18. Rendtorff, Jacob Dahl, Basic Ethical Principles in European Bioethics and Biolaw: Autonomy, Dignity, Integrity and Vulnerability – Towards a Foundation of Bioethics and Biolaw, **Medicine, Health Care and Philosophy** 5, 2002, p. 236.

19. Cohen, Merrill A., The Bioethical Principle of Distributive Justice and the State, **Medical Sentinel**, Vol. 7-2, 2002, pp. 50-55.

کارایی، و آزادی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی تفوق یابد،^{۲۰} نتیجه اخلاقی که در حیطه زیستی می‌توان گرفت، آن است که همگان باید - صرف‌نظر از نژاد، جنس، سن و... - از امکانات بهداشتی و درمانی بهره‌مند شوند.^{۲۱} لذا عدالت اقتضا دارد که نتوان افراد را در معرض آزمایش‌های خطرناک قرار داد و این حق (آزادی و حق بر جان و تن) بر مزایای اقتصادی و اجتماعی آن غلبه دارد.

با وجود شمول اخلاق زیستی بر انسان، حیوان و طبیعت زنده، مفهوم عدالت در رابطه با انسان‌ها با توصیفی که از آن در محیط زیست به‌عمل می‌آید، تفاوت دارد. تأمین عدالت در روابط انسانی، علی‌الاصول مستلزم دخالت دولت یا به‌عبارتی نمایندگان منتخب مردم است؛ برعکس در رابطه با حیوانات و محیط زیست، برقراری تعادل با عدم دخالت زیان‌آور انسان فراهم می‌شود. طبیعی بودن عدالت در محیط، البته انسان را دربر می‌گیرد و تنها ویژگی عقل و برتری‌جویی، دخالت‌عامل انسانی را برای تأمین یا تضمین عدالت ایجاب نموده است. قانون طبیعت «تعادل» است و این تعادل فقط در صورت مداخله‌عامل انسانی یا حوادث قهری نادر بر هم می‌خورد که در این صورت، برقراری دوباره موازنه که لازمه استمرار حیات یا سلامتی طبیعت می‌باشد، نیازمند دخالت مثبت انسان خواهد بود.

20. Rawls, John, *A Theory of Justice*, Revised Edition, Oxford University Press, 1994, pp. 261-262.

21. Smith II, George P., *Human Rights and Biomedicine*, Kluwer Law International, Hague 2000, *op.cit.*, p. 12.

بنابراین، تفاوت عدالت و تعادل در آن است که اولی به دست می آید، اما دومی از دست می رود. بدیهی است که رسیدن به عدالت با وصف فوق بسیار آسان تر از بازگرداندن تعادل طبیعی پس از زوال آن می باشد: مداخله، تعهدی در حیطه اخلاق زیستی است و معلوم نیست که منجر به بازگرداندن تعادل طبیعی شود. مهم آن است که «عدالت» اجرا شود، حتی اگر امکان برقراری موازنه برای همیشه از دست رفته باشد.

دقیقاً به دلایل فوق است که تعادل، هیچ گاه بدون استثنا نمی ماند و در مواردی دایره آن محدود گشته و حتی به طور کامل کنار گذاشته می شود. هرچند به عنوان قاعده، تا آنجا که ممکن است، نباید «تعادل طبیعی» را برهم زد و تنها ضرورت های بالاتر از طبیعت، آن هم به تشخیص اکثریت نمایندگان جامعه جهانی، اختیار خدشه بر عدالت طبیعی را به انسان ها خواهد داد. یکی از این ضرورت ها، دایر بودن حیات انسان به اصلاح یا تغییر در محیط زیست اوست که البته در این مورد نباید حالت ضرورت، عمدی و کلی باشد. بنابراین اگر امکان حفظ حیات به طریقی دیگر میسر باشد، نباید موازنه طبیعی را در معرض خطر قرار داد. اولویت انسان بر موجودات دیگر تنها در اصل حیات و منحصر به حریم اوست و نمی توان برای هدفی دیگر تعادل را قربانی نمود. نیز انسان نمی تواند در محیطی تصرف نماید که بدان تعلق نداشته و نسبت به او وحشی به حساب می آید. تعادل را می توان برای یک هدف دیگر نیز برهم زد و آن «رسیدن به وضعیتی بهتر از آنچه در حال حاضر وجود دارد»،

می‌باشد. لذا اصلاح ژنتیکی گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری تنها در صورتی مجاز خواهد بود که وضعیت را برای این گونه‌ها و انسان متمتع از آنها بهتر و نه بدتر کند.^{۲۲} تا زمانی که درستی یک فرضیه مدعی بهبود اوضاع اثبات نشده، اجرای آن تنها در سطحی محدود (برای مثال، آزمایشگاه) مجاز خواهد بود.

۲-۳. اصل رضایت

رضایت یا اراده آزاد در اخلاق زیستی، با تعبیری که در حقوق خصوصی از آن به عمل می‌آید، تفاوت دارد. در قراردادهای خصوصی، هدف از احراز قصد و اراده شخص، انتساب تعهد ارادی به اوست و با احراز آن، تعهد ایجاد و علی‌الاصول زایل نمی‌گردد. در روابط دو یا چندجانبه، شخص ممکن است طرف حق یا تکلیف یا هر دو قرار گیرد. اما در مطالعات زیستی، مقصود از رضایت تحمیل تعهد به شخصی که اعلام رضایت کرده نیست،^{۲۳} بلکه می‌توان مفاهیم پنج‌گانه زیر را به اراده شخص نسبت داد: اهلیت تمتع و استیفای حق با هدف استمرار زندگی؛ توان اخلاقی تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت؛ آزادی تصمیم‌گیری بدون عامل فشار خارجی؛ اراده ایجاد تعهد شخصی که خود بیانگر وجود حق حریم می‌باشد و سرانجام، آزادی اعلام رضایت.

22. See: Elizabeth Rose Hall, **Summary Report: Bioethics and Biotechnology: What is at Stake for Humanity Now?** United Nations University, Tokyo, 2 June, 2003.

23. See: Dworkin, Roger B., **Emerging Paradigms in Bioethics: Introduction**, Indiana Law Journal, Vol. 69-4, Fall 1994, p. 950.

به عنوان مثال عینی، رضایت بیماری که نیاز به عمل جراحی مغز دارد، ناشی از اهلیت او بر حق زندگی خویش، توان تصمیم‌گیری مستقل، اجازه به دیگری برای ورود به حریم خصوصی و قابلیت پذیرش تمام آثار ناگواری است که امکان دارد به دلیل ماهیت جراحی - و نه فعل یا خطای پزشک - بر وی وارد شود.

بحث رضایت را باید به طور جداگانه در مورد انسان و محیط زیست (حیوان و طبیعت زنده) مطرح ساخت.

۱-۲-۳. اعمال اصل رضایت در مورد انسان

در مورد انسان بحث کافی انجام شده و رضایت به عنوان شرط براءت پزشک معرفی شده است. مطابق با ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی، «چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی، یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی‌باشد». البته صرف رضایت کافی نبوده و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی، بنابر آنچه در بند (۲) ماده ۵۹ همین قانون قید شده، شرط براءت می‌باشد.

مبنای اخلاقی وضع مواد فوق چندان دور از ذهن نیست. در حقیقت، صیانت از زندگی یا سلامتی هر کس، حق و تکلیف خود اوست و در مواردی که زندگی یا سلامتی یا هر دو در معرض خطر قرار می‌گیرد، خود شخص است که اهلیت تصمیم‌گیری در مورد استمرار طبیعی آن یا قرار گرفتن در معرض خطرات پزشکی را داراست؛ هرچند این حق نیز خود

دارای شرایط و محدودیت‌هایی در جهت حفظ حیات است. در مورد افراد فاقد اهلیت، اعلام رضایت از سوی ولی یا قیم انجام می‌شود و در حالت اضطراری پزشک می‌تواند با احراز سه شرط عدم دسترسی به سرپرست، خطرناک بودن وضعیت و ضروری بودن معالجه، بدون رضایت شخص اقدام به جراحی نماید (مستنبط از بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی).

در همین جا باید به سه پرسش مهم پاسخ داد: نخست اینکه، اگر پزشک با احراز سه شرط فوق و بدون اخذ رضایت قبلی، اقدام به درمان نماید؛ آیا رضایت بعدی ضروری خواهد بود؟ نیز اگر پزشک در حالت عادی، بدون اخذ رضایت اقدام به معالجه کند، آیا رضایت بعدی مؤثر خواهد بود؟ سوم اینکه، اگر با وجود ضروری بودن درمان، شخص بیمار یا سرپرست او از اعلام رضایت امتناع نماید، آیا پزشک می‌تواند بدون قید رضایت، رأساً بیمار را درمان نموده یا تحت عمل جراحی قرار دهد؟

در مورد پرسش نخست، از آن جهت که فوری بودن امر، رکن «رضایت» را از میان برمی‌دارد، لذا نیازی به رضایت بعدی بیمار وجود ندارد. در واقع چون «در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی‌باشد» (قسمت اخیر ماده ۶۰ ق.م.ا)، بنابراین رضایت بعدی تأثیری در فعل درمانی قبلی ندارد. در مواردی که معالجه بدون رضایت بیمار بوده، فوریت نداشته و منجر به تلف جانی یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، رضایت بعدی موجب اسقاط مسئولیت مدنی خواهد شد؛ زیرا این امر در حکم اسقاط تعهد پس از ثبوت آن است و آنچه بر عهده پزشک می‌ماند، تخلف از نظامات دولتی و حرفه‌ای می‌باشد.

آنچه که ارتباط ملموس‌تری با اخلاق زیستی پیدا می‌کند، پرسش سوم است. امتناع بیمار یا سرپرست او در صورت فوری و ضروری بودن درمان، تعهدی برای پزشک از حیث معالجه ایجاد نمی‌کند؛ زیرا تعهد قانونی و حرفه‌ای او به درمان، از جمله منوط به احراز رضایت بیمار یا سرپرست اوست و بدون آن اقدام وی تخلف به‌شمار می‌آید. برای راحتی اثبات رضایت است که در اکثر کشورها، اخذ کتبی رضایت بیمار یا سرپرست او الزامی محسوب می‌گردد.^{۲۴} در مورد مسئولیت شخص بیمار یا سرپرست او، هرچند نص قانونی وجود ندارد، به استناد مبانی اخلاقی و شرعی، همچون احترام جان انسان‌ها و ضرورت صیانت از زندگی و سلامتی، می‌توان به حق- تکلیف شخص بیمار یا سرپرست او (اعم از ولی یا قیم و...) در حفظ جان و سلامتی وی استناد کرد و تخلف از آن را موجب مسئولیت محسوب داشت. در این‌گونه موارد، بهترین راه آن است که به موجب قانون موضوعه، به بیمارستان‌ها اجازه داده شود که با احراز فوریت و ضرورت درمان و جراحی، بدون نیاز به رکن رضایت اقدام به درمان نمایند. این راه‌حل، به‌ویژه از حیث تعیین تکلیف پزشکان، آسایش وجدان ایشان و جلوگیری از سوءاستفاده بیماران روانی و مایل به خودآزاری یا خودکشی، مفید به نظر می‌رسد.

به لحاظ تطبیق با اسناد بین‌المللی، رضایت انسان به هرگونه عمل جراحی،^{۲۵} و دست‌بردن در ساختار بدنی ضرورت دارد. بند (ب) و (ج)

24. Gert, Bernard, *Bioethics : A Return to Fundamentals*, Cary, NC, USA: Oxford University Press, 1997, p. 149.

25. Mason, J. K; McCall Smith & Laurie, G.T., *Law and Medical Ethics*, Sixth Edition, Butterworth (LexisNexis), 2002, p. 309 ff.

ماده ۵ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر،^{۲۶} به ضرورت اعلام رضایت آگاهانه فرد برای آزمایش‌های مجاز ژنتیکی اشاره دارد. البته، آزادی شخص در اعلام رضایت نامحدود نبوده و مشروط به دو شرط مهم است: اولی، اصل «زیان نرساندن» است که بررسی می‌شود و دومی اینکه، آزادی هرکس در اعلام رضایت بر عمل جراحی و درمانی تا جایی است که نسل او را - که در واقع جزئی از نسل بشر به‌شمار می‌آید - در معرض انحطاط یا تغییر خطرناک قرار ندهد.

۲-۳. اعمال اصل رضایت در مورد حیوانات و محیط زیست

مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا اصل رضایت در مورد موجوداتی غیر از انسان نیز قابل اعمال است یا اینکه باید این اصل را منحصر به زیست انسانی محسوب داشت؟ نگاه به این مسئله از دو بعد اخلاقی و حقوقی بیانگر اطلاق اصل در تمام موارد و اعمال آن برای تمامی موجودات زنده است. در مورد حیوانات و ضرورت اخذ رضایت مالک برای درمان آنها، مقررات کیفری به اندازه کافی صراحت دارد. مطابق با مفهوم مخالف مواد ۳۲۱ و ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی، درمان حیوان از سوی دامپزشک، بدون اذن صاحب آن در هر صورت موجب ضمان وی خواهد بود.

آنچه از دو ماده فوق قابل استنباط و منطبق با اصول مسئولیت مدنی است، چندان در اخلاق زیستی کارگشا نیست؛ زیرا هدف از اخذ رضایت

26. Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, UNESCO, 11 November 1997; Endorsed by General Assembly Resolution 53/152 of 9 December 1998. At: www.ohchr.org/english/law/genome.htm

مالک پیش از درمان حیوان، حمایت از حق مالکیت و منافع مادی اوست و نمی‌توان آن را برای حمایت از طبیعت زنده بدون مالک به کار بست. از آن جهت که مالک به مفهوم حقوقی آن، در مورد حیوانات وحشی، محیط زیست داخلی و آبهای آزاد بین‌المللی صدق نمی‌کند، دریافت رضایت برای ترمیم یا نابودی آنها، حتی اگر مطرح باشد، هدفی جز آنچه که در حقوق خصوصی مدنظر است را دنبال می‌کند. در موارد اخیر ناگزیر باید مدعی شد که برای تغییر در محیط زیست نیز رضایتی که مقید به دو شرط فوق است، ضرورت دارد. این رضایت را برای تغییرات زیست-محیطی داخلی، مراجع ذیصلاح داخلی و در تغییرات فراسرزمینی، حسب مورد، مقامات صالح بین‌المللی یا منطقه‌ای اعلام می‌نمایند.

احراز اخلاقی بودن حکم اخیر با اشکال خاصی روبرو نمی‌شود؛ تنها مشکل موجود، تضمین حقوقی آن از طریق وضع قوانین داخلی و عهدنامه‌های بین‌المللی است تا زمینه اجرایی شدن اخلاق فراهم آمده و زندگی و سلامتی محیط زیست در مفهوم عام تأمین گردد.^{۲۷} وجود ضمانت اجرا، به‌ویژه در عرصه بین‌المللی برای جلوگیری از اتخاذ رویه‌های گوناگون و گاه متناقض ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۳. اصل زیانبار نبودن^{۲۸}

27. Rendtorff, J.D. and P. Kemp, **Basic Ethical Principles in European Bioethics and Biolaw**, Vol. I-II, Barcelona and Copenhagen: Institut Borja di Bioètica and Centre for Ethics and Law, 2000, pp. 141-143.

28. Principle of Non Malfesance.

هر پژوهشی در زیست انسانی یا محیط زیست او باید به گونه ای انجام شود که منجر به ضرر برای انسان یا محیط اطراف او نشود. زیانبار نبودن تحقیقات علمی و زیستی در مورد انسان و محیط پیرامون او، علاوه بر اینکه یکی از اصول اخلاق زیستی به شمار می آید، تثبیت کننده دو اصل عدالت و رضایت است. بدین معنا که این اصل عادلانه بوده و هرگونه رضایتی که سلامتی انسان یا طبیعت زنده را در معرض خطر قرار دهد، غیرقابل پذیرش خواهد بود.

اصل زیانبار نبودن حیطه عامی داشته و تمام مراحل برنامه ریزی، انجام یا واگذاری اجرای طرح های بیولوژیکی مضر را شامل می شود.^{۲۹} بدین مفهوم که دولت ها نمی توانند با سپردن انجام تحقیقات یا اجرای نتایج آنها در سطحی گسترده به مؤسسات داخلی یا خارجی، خود را از مسئولیت مبرا بدانند. با آنچه گفته شد، روشن می گردد که بر خلاف اصول قبل، اعمال این اصل دارای آثار عملی و عینی بیشتری بوده و در اکثر موارد نیازمند تصدی دولت بر فعالیت ها و مطالعات زیستی است.

عبارت «زیانبار نبودن»، خود مسئله دیگری را مطرح می سازد و آن اینکه آیا زیانبار نبودن پژوهش های زیستی کافی است، یا این گونه از مطالعات و آزمایش نتایج آنها می بایست علاوه بر اینکه زیانی نداشته باشد، مفید نیز باشند؟ در این مورد باید اذعان داشت که هدف اخلاق زیستی، ترغیب به اجتناب از ضرر است و نمی توان جلوی مطالعات

29. See: Bernal, Susan Kerr, *Bioethics and Law Forum*, *Twin Autonomy*, *Journal of Andrology*, Vol. 25, No. 1, January/February 2004, p.3.

بی‌زیان را گرفت. البته مبهم بودن نتایج بررسی یا نامعلوم بودن ضرر به هنگام آزمایش‌های اولیه، مانع از آن نیست که به‌موجب قانون موضوعه، آزمایش‌های مربوطه در فضایی محدود و محصور انجام گیرد تا از ضررهای احتمالی پیشگیری شود.

اصل زیانبار نبودن مطالعات و آزمایش‌های بیولوژیکی، مصون از استثنا نمانده است. این اصل را در صورتی که امر مهم‌تری در میان باشد، می‌توان تعدیل کرد؛ برای مثال زیان به طبیعت را برای حفظ انسان می‌توان پذیرفت. باید توجه داشت که هرگونه استثنایی بر اصل فوق باید به‌صورت محدود تفسیر شده و از افراط خودداری شود. در هر پژوهشی باید این اصل مهم را مدنظر داشت که تجربه‌آموزی مبتنی بر خطر برای نسل بشر ممنوع و محکوم است. به‌علاوه، اگر این اصل به‌طور مطلق پذیرفته شود، در آن صورت باید مطالعات و آزمایش‌هایی که منجر به تحول علوم پزشکی و بهداشتی و کمک به ارتقای سطح سلامت بشر شده را ممنوع کرد؛ زیرا در هر مورد احتمال خطر و ضرر وجود دارد.

عبارت «زیان» در مفهوم عام آن تفسیر می‌شود و شامل تمام ضررهای مادی، معنوی، آتی و نامحسوس است. توجه روزافزون به محیط زیست نیز منجر به آن شده که اصل زیانبار نبودن به دنیای انسانی محدود نمانده و تمام موجودات زنده را شامل شود. توسعه اخلاق زیستی در این مورد، از این حقیقت ناشی می‌شود که زیان نهایی ورود خسارت به طبیعت بر انسان تحمیل می‌گردد و تجربه بیانگر ضرورت پیشگیری و حمایت همه‌جانبه از طبیعت است.

از بعد حقوقی، اسناد بین‌المللی متعددی با موضوع حمایت از محیط زیست و حمایت از شأن و منزلت انسان‌ها در مقابل آزمایش‌های زیانبار تدوین گردیده است. مقررات داخلی کشورها نیز مطالعات بیولوژیکی مضر را منع و در موارد ضروری، تنها به محیط آزمایشگاهها محدود می‌نمایند. منشور جهانی طبیعت، مصوب ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد،^{۳۰} پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی محیط زیست و توسعه (۱۹۹۵)،^{۳۱} و کنوانسیون تنوع زیستی، تدوین شده در ریودو ژانیرو به سال ۱۹۹۲،^{۳۲} هر کدام به‌نحوی، مطالعات زیانبار بیولوژیکی بر روی انسان و طبیعت را منع کرده‌اند.

۳-۴. اصل احترام

این اصل نیز از ارزش‌های اخلاقی نشأت می‌گیرد: رضایت به انجام مطالعات و آزمایش‌های زیستی، هیچ‌وقت مجوز ورود در حریم خصوصی انسان و توهین به شأن و منزلت او نیست. وضعیت برجسته انسان در گیتی اقتضا می‌کند تا حیثیت او با انجام مطالعات زیستی در معرض خطر قرار نگیرد. این نکته در مورد تمام انسان‌ها صدق می‌کند و اختصاص به

30. **World Charter for Nature**, The General Assembly of United Nations, A/RES/37/7, 48th Plenary Meeting, 28 October 1982. Available at: www.un.org/documents/ga/res/37/a37r007.htm

31. **Draft International Covenant on Environment and Development**, 1995, the IUCN Commission on Environmental Law, in Cooperation with the International Council of Environmental Law [UNCED]. At: www.iucn.org/themes/law/pdfdocuments/EPLP31ENsecond.pdf

32. **Convention on Biological Diversity**, 1992. At: www.biodiv.org/convention/articles.asp.

قوم یا نژاد خاصی ندارد، چراکه ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) شأن و حیثیت بشر را به طور مطلق محترم شمرده است. اصل احترام، تعهد اخلاقی دانشمندان را یادآور می‌شود که این تعهد دارای ابعاد مختلف به شرح زیر است:

- مغایر نبودن مطالعات زیستی با اخلاق پزشکی، از جمله به دلیل در معرض خطر قراردادن سلامتی انسان‌ها.
- غیرقابل مبادله بودن انسان‌ها و اجزای بدن آنها. بشر موجودی نیست که قیمت‌گذاری شده و به عنوان کالای تجاری به فروش رسد.

- توجه به ارزش‌های اخلاقی همچون شرم، حیا، احساس، حقارت و سایر اوصافی که به انسان اختصاص دارد.
- محرمانه بودن اطلاعات بیولوژیکی و شخصی افرادی که به هر دلیل مورد مطالعات زیستی قرار گرفته‌اند. این امر از حیث عدم لطمه به موقعیت اجتماعی ایشان ضروری به نظر می‌رسد و البته در مطالعات جزئی‌تر، خود اصل مستقلی را تشکیل می‌دهد.^{۳۳}

چنانکه ملاحظه می‌شود، اصل احترام از یک سو با سایر اصول اخلاق زیستی ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر، به گونه‌ای طرح شده که گمان می‌رود تنها به انسان اختصاص داشته باشد. مورد اخیر، با هدفی که برای اصول اخلاق زیستی تبیین گردید، هماهنگی ندارد. بنابراین باید فراتر از آنچه اندیشمندان اخلاق زیستی گفته‌اند، به دنبال گسترش قلمرو

33. See: Gert, op.cit., Chap. 8 (Confidentiality), p. 181 ff.

این اصل بود: احترام به طبیعت زنده، اگرچه ابعاد محدودتر از انسان دارد، اما مفهوم پیشرفته‌ای است که شرط بقای نسل موجودات زنده به-شمار می‌آید. اصلی که تقریباً تمام فجایع زیست‌محیطی، ناشی از بی‌توجهی به آن و قائل نبودن حریمی برای حیوانات و محیط زیست است.

در تحلیل کلی ارتباط اصل احترام با سایر اصول باید اذعان داشت، آزادی اعلام رضایت به هیچ‌وجه توجیه‌کننده تعرض به حریم طبیعت زنده و نقض احترام به شأن و حیثیت انسان نیست. در این رابطه مسائلی همچون فلسفه حیات و نقش اخلاق در ترسیم حق حریم مطرح می‌شود؛^{۳۴} برای مثال، اهدای اعضای بدن انسان برای پیوند زدن آنها به بیماران نیازمند یا انجام آزمایش‌های پزشکی، ممکن است بحث عدول از شأن انسانی را مطرح سازد. در اینجا، تنها «حسن‌نیت» و «بی‌زیان بودن» اهدا برای شخص دهنده» یا استفاده از اعضای بدن افراد مرده است که مسئله را توجیه می‌کند. در هر حال هیچ استثنایی بر این منع وجود ندارد که «اعضای بدن انسان، کالای تجاری نیست».^{۳۵} امری که ادعای آن در مورد طبیعت زنده غیرعملی به نظر می‌رسد.

۳-۵. اصل اجتناب از پژوهش‌های مخفی

34. Campbell, Alastair v. *Public Policy and the Future of Bioethics, Genomics, Society and Policy*, Vol.1, No.1, 2005, p. 89.

35. Rendtorff, Jacob Dahl, *The Second International Conference about Bioethics and Biolaw: European Principles in Bioethics and Biolaw, Medicine, Healthcare and Philosophy*, Vol. 1, 1998, p. 273.

هرگونه پژوهشی بر روی انسان یا محیط زیست باید آشکار بوده و نتیجه آن به طور دقیق و به دور از پنهان کاری به جهانیان گزارش شود. البته می توان برای جلوگیری از فاش شدن اسرار علمی مُجاز، اعلام نتیجه را با جلب رضایت مقامات ذیصلاح، به بعد از نهایی شدن پژوهش موکول کرد.

اسناد بین المللی نیز متعرض این امر شده و آن را لازمه پیشرفت جهانی دانسته اند. به طور کلی، جز در مواردی که منافع استراتژیک و گاه نظامی مطرح باشد، هدف از فعالیت های علمی در حوزه زیستی، کمک به ارتقای سطح سلامتی و زندگی بشر است؛ بنابراین دلیلی بر انحصار در این زمینه وجود ندارد. ماده ۴۵ پیش نویس میثاق بین المللی محیط زیست و توسعه،^{۳۶} بر ضرورت ارائه اطلاعات و دانش لازم به عموم مردم و به طور تلویحی اجتناب از اقدام مخفی تأکید دارد.

۳-۶. اصل حمایت قانونی (ضمانت اجرا)

تفاوت اخلاق و حقوق در ضمانت اجراست. با اینکه قواعد اخلاقی ضمانت اجرای عینی و محسوس ندارند، در برخی از موارد تضمین وجدانی از حیث نیل به حقیقت قضیه و کشف واقع کارایی بیشتری دارد. البته وجود ضمانت اجرای قانونی به قواعد اخلاقی ماهیت حقوقی

36. Draft International Covenant on Environment and Development, Third Edition, International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN), 2004. At: www.i-c-e-l.org/english/EPLP31EN_rev2.pdf

می‌بخشد و رنگ و بوی وجدانی را از آنها می‌گیرد. متأسفانه شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توان با قید و بند اخلاق، از تمام مواردی که در آن زیست مورد تعرض قرار می‌گیرد، اجتناب کرد. راه‌حل آن است که اصول اخلاق زیستی در قالب «قواعد استاندارد» یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی معرفی شوند. باید توجه داشت که این اصول نباید به صنف خاصی - برای مثال، پزشکی یا صنعت - محدود گردد و در هر حال باید به فکر عمومیت بخشیدن به آنها بود.

اصول اخلاق زیستی تنها در صورتی اعتبار می‌یابند که با ضمانت‌اجراهای قانونی همراه شوند. اگرچه این اصل به نوعی از محدوده اخلاق زیستی بیرون است، اما می‌توان آن را تضمین همگرایی در این زمینه محسوب داشت. به‌ویژه در مواردی که ضمانت‌اجراها به موجب معاهده‌ای جهانی تعیین گردند و توسل به آنها در صورت عدول از اصول اخلاق زیستی، الزامی به‌شمار آید.

۷-۳. اصل تبادل دانش علمی

ماده ۴۳ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی محیط زیست و توسعه، به ضرورت انتقال فناوری زیستی و همکاری کشورها در این زمینه اختصاص دارد. ماده ۸ همین پیش‌نویس «حق بر توسعه» را یادآور می‌شود که از جمله از طریق تبادل دانش علمی محقق می‌شود. به موجب ماده ۲۴ پیش‌نویس اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر یونسکو،^{۳۷} دولت‌ها

37. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), 2005. *Universal Draft Declaration on Bioethics and Human*

باید نهادهایی را برای ارائه اطلاعات علمی و تشویق تشریک مساعی علمی و فنی پیش‌بینی نمایند (بند الف). در همین راستا دولت‌ها باید موافقت‌نامه‌های علمی و فرهنگی دو یا چندجانبه‌ای برای افزایش مشارکت و تبادل دانش علمی منعقد کنند (بند ب).

باید تذکر داد که این اصل را نمی‌توان به‌طور کامل قابل اجرا دانست و در شرایط کنونی جایگاه ثابتی برای آن وجود ندارد. اما از مذاکراتی که در سطح جهانی و برای تنظیم معاهدات مربوط به پیشرفت‌های علمی و پزشکی انجام شده، می‌توان دریافت که دولت‌ها باید تبادل دانش علمی در زمینه مسائل زیستی را با دیگر اعضای جامعه جهانی، در برنامه خود قرار دهند. پای‌بندی به این اصل، به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که مانع از پنهان‌کاری و اقداماتی می‌شود که برای زیست‌انسانی زیان‌آور به‌شمار می‌آیند، زیرا بدیهی است که در صورت اطلاع دقیق، کشورها همدیگر را از توسعه کاربردی نتایج آزمایش‌ها و پژوهش‌های علمی خطرناک منع می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

پیوستگی حقوق و اخلاق درباره «زندگی» باعث شده تا موازین حقوقی، جنبه اخلاقی داشته و مباحث اخلاقی، صبغه حقوقی داشته باشند. این تلاقی و تلازم، نخست از اخلاق به حقوق سرایت کرده و سپس،

وجه الزام در قواعد حقوقی باعث شده تا به خصوص در اخلاق زیستی، این امتیاز به نوعی مورد توجه قرار گیرد. عمل گرایی اخلاقی از ثمرات این تلاقی است که به نظر می رسد برای تکوین آن باید به الزامات حقوقی تمسک کرد. حداقل تأثیر نفی این ادعا و اصرار بر استقلال اخلاق زیستی، به تعویق افتادن درک عمومی درباره اهمیت این رشته در حیات مستمر نسل انسان و محیط اطراف اوست. نیز، ارتباط اخلاق زیستی با حقوق بشر، باعث شده که نوعی نرمش از «اخلاقیات صرف» به «مقررات الزام آور» در عهدنامه های منطقه ای و جهانی بوجود بیاید. نمونه بارز این تحول را می توان در پیش نویس اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر یونسکو (۲۰۰۵) مشاهده کرد که در آن، موازین اخلاق زیستی عملاً به عنوان مصادیق حقوق بنیادین بشر معرفی شده اند.

اصول اخلاق زیستی باید بر مبنای فلسفه ارزش توجیه شوند تا بتوان مدعی عمومیت آنها بود. این توجیه نباید به دین یا مرام خاصی تأکید داشته باشد. اخلاق در مفهوم عام آن به معنی وجدان جمعی انسان هاست که در طول زمان و با لحاظ تحولات، نیازها و الزام های زندگی تغییر پیدا می کند. این رویکرد برای اخلاق زیستی باعث می شود تا اکثریت بتوانند آنچه را اخلاقی می دانند بر اقلیتی که خود را مقید به ارزش های غالب نمی دانند، تحمیل نمایند. بنابراین از یک سو، اخلاق زیستی مفهوم دموکراتیک پیدا می کند که از همان مبنای اجتماعی، تحمیل عقیده اکثریت بر اقلیت مخالف با تصمیم گیری های جمعی، تبعیت می کند و از سوی

دیگر، ورود آن به حقوق و رویه قضایی به عنوان رویه عمومی تسهیل می گردد.

تحلیل آزادانه از اخلاق زیستی، خطراتی نیز دارد. این مفهوم می تواند به ابزاری سیاسی در دست برخی دولت ها بدل شود تا اصول اخلاق زیستی را به مستمسکی برای تحمیل تعهداتی به رقبا یا تحدید آنان در مطالعات زیستی بدل نمایند. در عرصه بین المللی، حداقل آنجا که بحث و جدل سیاسی بالا می گیرد، تنها می توان با معرفی مقررات اخلاقی استاندارد و ارائه چارچوبی مشخص از «وجدان جمعی»، زمینه را برای اعمال واقعی اراده شهروندان جهانی فراهم ساخت.

زمان زیادی برای درک جهانی این واقعیت نیاز است، که جلوه ای از اخلاق ناب و عمل گرا می تواند بسیاری از مشکلات و دغدغه های سیاسی را برای همیشه از میان بردارد. به نظر می رسد، با معرفی اصول اخلاق زیستی می توان به آینده اخلاق و حذف کامل نقش انگیزه های سیاسی در منع، تحدید یا گسترش فعالیت های بیولوژیکی امیدوار بود.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی